

Correspondence Diplomacy and Its Impact on Foreign Relations Case Study: Shah Abbas I (996-1038 AH/1588-1629 AD.)

*Zahra Alizadeh Birjandi*¹

One of the important topics in the studies of Iranian political history is the study of the correspondence of Iranian politicians, diplomats, and ambassadors. In different periods of Iranian history, numerous examples of this correspondence have been written with different motives in the field of political, cultural, and commercial relations with foreign governments. In addition to showing the character and political vision of Iranian politicians, the study and content analysis of such correspondence also reveals the policy and strategies of foreign relations of the period under study. Considering the importance of political correspondence and its place in the studies of foreign relations, the following article focused on the study and analysis of the correspondence diplomacy of Shah Abbas I. This fundamental research, which has been developed using a descriptive-analytical method, attempts to analyze the writing style and speech logic of Shah Abbas I in his political correspondence, as well as to examine his function in foreign relations during the Safavid period. The findings of this research show that Shah Abbas I adopted different positions in his correspondence diplomacy towards Muslim Emirs and European politicians, and these differences are obvious in the authoritative tone based on the Shah's ideological distinction towards Muslim Emirs and his moderateness and tolerant positions towards Europeans.

- **Keywords:**

Iran, Safavid, Shah Abbas I, Correspondence Diplomacy, Foreign Relations.

¹ Associate Professor, History Department, University of Birjand, Birjand- Iran
(zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir)



دیپلماسی مکاتبه‌ای و تأثیر آن بر مناسبات خارجی

مطالعه موردی: شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ق.)

زهرا علیزاده بیرجندی^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در مطالعات تاریخ سیاسی ایران، بررسی مکاتبات رجال سیاسی، دیپلمات‌ها و سفرای ایرانی است. در ادوار مختلف تاریخ ایران نمونه‌های متعددی از این مکاتبات با انگیزه‌های مختلف در حوزه مناسبات سیاسی، فرهنگی و تجاری با دول خارجی به رشته تحریر در آمده است. بررسی و تحلیل محتوایی اینگونه مکاتبات، افزون بر نشان دادن منش و بینش سیاسی دولتمردان ایران، خط‌مشی و راهبردهای روابط خارجی دوره مورد مطالعه را نیز آشکار می‌سازد. با توجه به اهمیت مکاتبات سیاسی و جایگاه آن در مطالعات روابط خارجی، مقاله پیش رو به بررسی و تحلیل دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس اول اختصاص دارد. این پژوهش بنیادین که به روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، می‌کوشد تا ضمن تحلیل سبک نوشتاری و منطق گفتاری شاه عباس اول در مکاتبات سیاسی، نحوه عاملیت او را در روابط خارجی دوره صفویه نیز مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شاه عباس اول در دیپلماسی مکاتبه‌ای خود در قبال امرای مسلمان و دولتمردان اروپایی مواضع متفاوتی اتخاذ کرده است. این وجوه تمایز را می‌توان از لحن مقتدرانه مبتنی بر تمایز ایدئولوژیک شاه در برابر امرای مسلمان و همچنین مواضع تسامح‌جویانه و مبتنی بر مدارای او را در قبال اروپائیان مشاهده کرد.

واژگان کلیدی:

ایران، صفویه، شاه عباس اول، دیپلماسی مکاتبه‌ای، مناسبات خارجی.

مقدمه و پیشینه پژوهش

نامه‌ها و مکاتبات نخبگان سیاسی ایران عصر صفوی که در حوزه روابط سیاسی، تجارت خارجی، انعقاد پیمان‌های سیاسی و مباحثی از این قبیل به رشته تحریر در آمده است، مقوله‌ای مهم در مطالعات تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر به دلیل تأثیرگذاری این مکاتبات بر روند روابط دیپلماتیک، عبارت دیپلماسی مکاتبه‌ای که سیاق گفتاری و گفتمان حاکم بر این مکاتبات را بیان می‌کند، به کار رفته است. در دیپلماسی مکاتبه‌ای، سبک نوشتاری و منطق گفتاری رجال سیاسی و بازتاب آن در عرصه مناسبات خارجی مد نظر قرار می‌گیرد و در میان منشآت عصر صفوی اسناد و مکاتباتی از شاه عباس اول با موضوعات متنوعی در عرصه روابط خارجی به جای مانده که از جنبه‌های گوناگون ادبی، تاریخی و سیاسی حائز اهمیت است. عبدالحسین نوایی ضمن تأکید بر اهمیت نامه‌ها و مکاتبات سیاسی شاه عباس از دقت و ظرافت به کار رفته در این نامه‌های سیاسی سخن گفته و یادآور می‌شود که نیاکان ما در زیر پوشش تعارفات دیپلماتیک، منظور و مقاصد خویش را برای حفظ این آب و خاک و منافع مردم آن بیان داشته‌اند (نوایی، ۱۳۶۶: ۳/ مقدمه). با وجود نثر مغلط و مطمئن عصر صفوی منشیان آن زمان در مکاتبات سیاسی با همین عبارت‌پردازی‌های به ظاهر خشک و متکلف توانسته‌اند مقاصد سیاسی مخدومین نکته‌سنج و زیرک خود را به رقبای سیاسی خودشان بفهمانند. نوایی در بیان اهمیت مکاتبات سیاسی صرفاً به نتایج سیاسی بسنده نکرده، بلکه به دستاوردهای ادبی و راهیابی این سبک نوشتاری در متون منثور نیز پرداخته است.

بررسی سبک نوشتاری مکاتبات سیاسی در ادوار بعدی از جمله دوره قاجار نشان می‌دهد که در اینگونه نوشته‌ها منطق گفتاری خاصی سیطره دارد که میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام از آن به عنوان "زور میرزایی" یاد کرده و در توصیه‌هایش به میرزا محمدعلی آشتیانی برای تنظیم قرارداد با عثمانی می‌نویسد: «... تا این حد هم اذن و اجازت می‌دهیم که الفاظ مبهمه و فقرات ذو احتمالین در فصلی که موقع ذکر این مطلب است به زور میرزائی و قوه انشائی بگنجانند که راه سخن برای ما باقی بماند و این تصرف و تسلطی که حالا داریم سلب نشود...» (مجله یادگار سال ۱ ش ۶: ۷۳).^۱

با توجه به آنچه در تحلیل مفهوم دیپلماسی مکاتبه‌ای و اهمیت آن بیان شد، هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای مکاتبات شاه عباس اول و ارزیابی تأثیرات آن در عرصه مناسبات خارجی دوره صفویه است. بر این اساس، پرسش‌های پژوهش حاضر به قرار ذیل است:

^۱. به نقل از نوایی، ۱۳۶۶، ۳/ مقدمه.

دیپلماسی مکاتبه‌ای و تأثیر آن بر مناسبات خارجی □ ۵

- مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس یکم کدام‌اند؟
- وجوه تمایز دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس در مکاتباتش با دولتمردان مسلمان و اروپایی چیست؟

نقد و بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در این زمینه عبدالحسین نوایی (۱۳۶۶) در دیباچه‌ای که بر کتاب شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی نگاشته، به اهمیت این مکاتبات به اختصار اشاره کرده است. تفاوت پژوهش حاضر با اثر فوق به دلیل ماهیت تحلیلی و تمرکز آن بر ارزیابی تأثیر این مکاتبات در تبیین الگوهای سیاست خارجی عباس یکم است. فاطمه جعفری (۱۳۹۶) پایان‌نامه‌ای با عنوان: "بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه‌ای رجال عصر قاجار" دارد که در آن به تحلیل محتوای گزیده‌ای از مکاتبات رجال سیاسی دوره قاجار پرداخته است. همچنین زهرا علیزاده بیرجندی و فاطمه جعفری (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان: «بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه‌ای امیرکبیر» در دومین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران ارائه داده‌اند که وجه تمایزش با دو پژوهش فوق‌الذکر این است که مقطع پژوهشی مقاله حاضر متعلق به دوره صفویه است و حال آنکه دو پژوهش یاد شده مربوط به دوره قاجار هستند.

منش سیاسی و ماهیت سلطنت شاه عباس اول

هنگامی که عباس اول در سال ۹۹۶ ق. در قزوین بر تخت سلطنت نشست، سلطنت صفوی را آشفتگی و بی‌ثباتی از درون و بیرون تهدید می‌کرد. سپاه عثمانی تا همدان و نهاوند و ازبکان هرات و مشهد را تصرف کرده بودند (نوایی، ۱۳۷۰، ۲۰۵/۱). در داخل کشور نیز تمایلات گریز از مرکز امرای قزلباش، جنبش‌ها و قیام‌های مختلف وحدت و یکپارچگی امپراتوری صفوی را تهدید می‌کرد. عباس اول پس از فراغت از سرکوب اغتشاشات داخلی به حل مسائل خارجی پرداخت و ابتدا از طریق صلحی تاکتیکی با عثمانی خیال خود را از مرزهای غربی راحت کرده، به دفع تهاجم ازبکان از خراسان پرداخت. در مرحله بعدی عثمانیان را نیز از مناطق متصرفی در همدان و آذربایجان عقب راند و بدین ترتیب حکومتی مقتدر و باثبات در کشور ایجاد کرد. شاه عباس برای تمرکزبخشی به حکومت خویش به اصلاح سازمان‌های لشکری و کشوری پرداخت. او با تشکیل یک نیروی نظامی جدید مرکب از افراد گرجی و ارمنی بر قدرت و تمرکز حکومت خود افزود (آقاجری، ۱۳۸۹: ۲۱۶؛ مهدوی، ۱۳۸۴: ۶۴). اقدام دیگر وی برای تثبیت حاکمیت سیاسی و دینی صفویه انتقال پایتخت به اصفهان بود. وی در این اقدام، افزون بر ملاحظات سیاسی،

انگیزه اقتصادی هم داشت. سیاست‌های اقتصادی او در زیرساخت گسترده برای تسهیل امور تجاری در ایران نمایان بود و یکی از برجسته‌ترین اقدامات شاه برای توسعه بازرگانی، ساخت کاروانسرا، راه و گماشتن راهداران بود. اسکان آرامنه جلفا توسط شاه عباس اول به سال ۱۰۱۳ ق. در اصفهان علاوه بر ابعاد تجاری، اهمیتی محوری برای اصلاحات سیاسی شاه داشت. این بازرگانان مسیحی یک گروه مهاجر دیگر- غلامان خاصه- که از قفقاز آمده بودند را نیز تأمین هزینه می‌کردند. تأمین مخارج تشکیلات جدید غلامان شاه با واردات نقره آرامنه جلفا، به اینان نقشی محوری در اقتصاد سیاسی ایران می‌داد (بابایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۳).

بررسی خط‌مشی سیاسی و اجتماعی عباس اول در دوران سلطنتش نشان می‌دهد که همه اقدامات داخلی و خارجی او بر پایه ایجاد حکومتی باثبات و قدرتمند که شاه در آن محور همه امور باشد، شکل گرفته است. شاه عباس اول همچون دیگر سلاطین صفوی تشیع را به عنوان مذهب رسمی و ایدئولوژی حاکم در محور سیاست مذهبی خود قرار داد (آقاجری: ۱۳۸۹: ۲۳۹، ۲۲۳).

افزون بر اقداماتی که ذکر آن گذشت، شاه عباس در الگوهای روابط بین‌المللی عصر صفوی نیز تحولاتی ایجاد کرد. در کنار الگوی اتحاد با اروپایی‌ها بر ضد دولت عثمانی، الگوی تجارت ایران و اروپا به عاملی مهم در مناسبات آنها تبدیل شد. اگر چه او سابقه ناخوشایند روابط میان ایران و اروپا را در دوران پیشین به خاطر داشت، اما اهمیت این روابط تجاری را نیز مدنظر قرار داد. وی با ایجاد سیاست‌های دقیق در زمینه تجارت خارجی ایران، عصر صفوی را وارد مدار اقتصاد جهانی نمود.

شاه عباس در راستای ایجاد روابط گسترده با اروپائیان، الگویی مبتنی بر تساهل و تسامح مذهبی و اعطای آزادی‌های مذهبی و اجتماعی به اروپائیان ساکن ایران طراحی کرد و این الگو به شکوفایی تجارت نیز کمک نمود (خالندی، ۱۳۹۷: ۲۴۲/۱-۲۳۹). در این زمینه باید گفت که کثرت مکاتبات برخی اقلیت‌های مذهبی نظیر پادریان کرملی و تمایلات پاپ به داشتن روابط استوار با ایران که در اسناد پادریان کرملی بازتاب یافته، در پی این سیاست‌های مداراجویانه شکل گرفته است. در این اسناد، فرامین و مکاتبات مربوط به پادریان کرملی، عصر شاه عباس که برای تجارت- و در ضمن آن تبلیغ مسیحیت- به ایران آمده‌اند، در خور توجه است (ستوده، ۱۳۸۳: مقدمه).

یکی دیگر از الگوهای شاه عباس در روابط با قدرت‌های اروپایی، الگوی موازنه قدرت بود. بر اساس این الگو، شاه عباس برای اعاده قدرت خویش در خلیج فارس، زمانی که انگلیسی‌ها وارد ایران شدند، وجود آنها را برای ایجاد توازن قدرت در منطقه خلیج فارس به منظور اخراج پرتغالی‌ها مناسب دانست و با دادن امتیازات تجاری و مدنی به کمپانی هند شرقی انگلستان،

دیپلماسی مکاتبه‌ای و تأثیر آن بر مناسبات خارجی □ ۷

انگلیسی‌ها را وارد مدار رقابت‌های سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس کرد (خالندی: ۱۳۹۷: ۲۴۳). در همین راستا، فوران نیز به شکست پرتغالی‌ها به واسطه حضور انگلیسی‌ها اشاره کرده است (فوران، ۱۳۸۳: ۶۷).

دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس با ازبکان

ساختار مکاتبات و گفتمان این نامه‌ها بر پایه نشان دادن تمایزات ایدئولوژیک و هویت اعتقادی شاه عباس در برابر حریف سیاسی خود، ازبک‌ها استوار است. شاه عباس در نامه‌ای که به عبدالله خان ازبک ارسال کرده، با یادآور شدن شأن ظل‌اللهی خویش انتصاب خود به خاندان اهل بیت و اقتداء به سیره آنها و به رخ کشیدن برتری و سروری خویش، خود را از هر گونه فتنه‌گری و جنگ و کشتار مبرا دانسته است. همچنین غرض و هدف و مدعای خود را رفاه و امنیت حال مسلمانان عنوان کرده و نیز مطالبات و خواسته‌هایش را با استناد به آیات قرآنی مطرح می‌کند. رفع موانع زیارت حجاج، تردد تجار و بازگشت فردی که در زمان تصرف هرات به دست عبدالله خان ازبک به اسارت در آمده، از جمله مطالبات شاه عباس است. در فرازهایی از این نامه چنین آمده است:

«... به مصدوقه السلطان العادل ظل‌الله، واجب و متحتم است که اغراض دنیوی را منظور نظر اصابت نداشته نایره فتنه و آشوب را که از حوادث روزگار در اقطار و امصار روی دهد و صغار و کبار و اخیار و ابرار را منهدم و معدوم گرداند ... در اطفای آن کوشیده از مضمون صدق مشحون لایرحم الله من لایرحم الناس ملاحظه نموده با خلاق و عبادالله در مقام شفقت و احسان بوده ... ثبات دولت عاریتی دنیای فانی که عهدش را وفایی و جاهش را بقایی نیست در نظر همگنان و خردمندان ظاهر و باهر و بر ضمیر انور و خاطر فیض‌گستر، نسبت ما به خاندان طیبین طاهرین و سلسله اولیا و اصفیا ظاهر خواهد بود ... اقتدا به سنت سنیه آباء و اجداد عظام کرام نموده ... بر ذمت پادشاهان فرض عین و عین فرض نموده‌ایم و همیشه ملحوظ خاطر آن است که از مضمون الفتنه نائمه لعن الله من ایقظها احتراز فرموده محرک و مجدد فتنه و قتال نبوده باشیم و در تسکین نائره آن سعی مشکور و جهد موفور مبذول فرماییم ... و مضمون آیه عظیمه و من اظلم ممن منع مساجد الله به خاطر ما خطور نمود که نزاع و کلفت به واسطه حب جاه و مملکت فی‌مابین آن خاندان عظیم‌الشأن چنگیزخانی و این جانب واقع است، راه مکه معظمه و مدینه مشرفه چرا مسدود بوده باشد. مسلمانان و عبادالله را در این منازعه مابین چه دخل است که امور

واجبی را به جای نتواند آورد و بال آن در روز جزا گردن شما و ما بوده باشد» (نوایی، ۱۳۶۶: ۱۸۵/۱، ۱۸۳-۱۸۲).

در نامه شاه عباس به عبدالمؤمن خان ازبک، شاه ضمن سخنان پندآمیز و صلح‌جویانه در خصوص انتخاب راه جنگ و ستیز بدون اینکه کمترین بیم و هراسی از بروز جنگ نشان دهد، پیشنهاد جوانمردانه‌ای را به خان ازبک ارائه داده است، در بخشی از آن نامه چنین آمده است که: «... و چون منازعه سلطنت و جهانداری فیما بین نواب همایون ما و آن نقاوه دودمان خوانین است و لشکر و عساکر طرفین گوینده کلمه طیبه لاله الا الله و محمدا رسول الله اند اولی آنستکه در روز جنگ که صفها راست شود نواب همایون ما از صف لشکر خود بمیان معرکه در آمده با یکدیگر طرید و نبرد فرمائیم ... و چندین هزار نفس از بندگان خدا و مسلمانان در میان ضایع نشود و وبال خون ایشان در گردن ما و ایشان نبوده باشد ...» (ثابتیان، ۱۳۴۳: ۲۵۵).

این عبارات شاه عباس حاکی از تدابیر هوشمندانه و شجاعت مقتدرانه او به شمار می‌آید که برآیند آن متقاعدسازی عبدالمؤمن خان و پذیرش صلح توسط او بود. وی در پاسخ نامه شاه عباس با ذکر این جمله که: "با آل علی هر که در افتاد برافتاد"، نشان داده که خصومت با دودمان صفوی به مصلحت نیست و پس از ذکر القاب مفصل نظیر "تاج‌بخش عالم‌آرای"، "نوشیروان خورشید منظر"، "خصم بند قلعه‌گشای"، "قدر قدرت"، مصلحت را در ترک مخاصمه می‌بیند (نوایی، ۱۳۶۶: ۲۲۰/۱).

شاه عباس در آن زمان مشغول استقرار نظم در نواحی آذربایجان، عراق و سایر نقاط مغشوش ایران بود. ازبکان نیز از این شرایط استفاده کرده و مناطق شرقی ایران به‌ویژه خراسان را مورد تهاجم و حمله قرار دادند؛ اما همینکه پادشاه مقتدر صفوی با لشکریان خود برای دفع تهاجمات آنها اقدام می‌کردند، ازبکان متواری می‌شدند. در مکاتباتی که میان امرای ازبک و شاه عباس مبادله شده، تزویر و کینه‌توزی ازبکان و گفتمان مقتدرانه شاه عباس که ضمن نکوهش خوی غارتگریانه ازبکان، آنها را به مسالمت و ترک فتنه آگاه ساخته و سران غارتگرشان را به مجازاتی که امرای گذشته به آن دچار شدند، تهدید می‌کند (ثابتیان: ۱۳۴۳: ۲۵۸-۲۵۷).

از بررسی مکاتبات متبادله میان شاه عباس و خوانین ازبک می‌توان دریافت که دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس در قبال ازبکان، افزون بر مواضع اقتدارگرایانه، در مواردی نیز مبتنی بر گفتمانی مداراجویانه بوده و زمانی هم همراه با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک در قبال حریف مجال بروز و ظهور پیدا کرده است. مصادیق این دیپلماسی در عبارت‌های ذیل که از خلال نامه‌های شاه عباس استخراج شده، قابل دستیابی است:

- "اردوی کیهان پوی"
- "دیانت و خداترسی نواب همایون ما"
- "از روح مقدس حضرت خاتم الانبیا ... و ارواح مطهرات حضرات ائمه اثنی عشر اعانت جسته"
- "توکل بر خالق جزء و کل فرمودئیم"
- "به واسطه رفاه حال مسلمین در مقام نزاع و عناد نبوده باشیم"
- "ثبات عاریتی دنیای فانی که عهدش را وفایی و جاهش را بقائی نیست" (ثابتیان، ۱۳۴۳: ۲۶۰-۲۵۴).
- "منم غلام امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه صلاه و السلام و تو غلام عمر و معاویه و ابوسفیان ...» (نوایی، ۱۳۶۶: ۲۵۳/۱).

دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس با عثمانیان

شاه عباس پانزده سال پس از جلوسش به سلطنت، هنگامی که توان مقابله با عثمانیان را پیدا کرد، از اعمال خصمانه‌ای که بهانه به دست دشمن می‌داد، اجتناب نمود. وی با استفاده از فرصت‌های مناسب، پیشرفت‌های ایران را در امور کشوری و لشکری به اطلاع عثمانی‌ها می‌رسانید. در دوره سلطنت سلطان محمد سوم، قدرت عثمانی به سبب جنگ‌های پی‌درپی با اتریش و نیز شورش فرقه جلالی در آسیای صغیر رو به ضعف گذاشت. به این جهت، شاه عباس که از حمایت معنوی دولت‌های اتریش و روسیه اطمینان پیدا کرد، تصمیم به حمله گرفت. شاه عباس موفق شد در مدت کوتاهی پادگان عثمانی را تارومار کرده و تبریز را پس از هجده سال که در اشغال بیگانگان بود، آزاد نماید. بعد از درگذشت سلطان محمد سوم، جانشین وی سلطان احمد اول (۱۶۱۶-۱۶۰۳ م.) پس از جلوس به سلطنت، سپاه عظیمی را روانه ایران نمود. عثمانی‌ها با وجود غلبه نفرات عثمانی شکست خوردند و در نتیجه پیروزی‌های درخشان شاه عباس سراسر آذربایجان، قفقاز، کردستان و شمال بین‌النهرین به دست ایرانی‌ها افتاد. تصرف عتبات عالیات موجب خرسندی توده مردم و ارضای احساسات مذهبی آنان را فراهم آورد. در این هنگام، شاه عباس با ارسال پیغامی به عثمانی‌ها متذکر شد که قصد تصرف خاک عثمانی را نداشته و در صورت انصراف آنها از ادعاهایشان نسبت به ایالات ایران حاضر به امضای قرارداد صلح است. اما عثمانی‌ها که حاضر به قبول این شکست فاحش نبودند، موجبات درگیری‌ها و جنگ‌های سرحدی را بین دو کشور فراهم آوردند؛ حاصل این جنگ‌ها تصرف تبریز توسط

عثمانی‌ها در سال ۱۶۱۲م. بود. ایرانی‌ها توانستند تبریز را پس بگیرند و به دنبال آن مذاکرات صلح میان طرفین و انعقاد عهدنامه دوم استانبول فراهم شد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۴: ۷۷-۷۵). پس از انعقاد این عهدنامه نیز درگیری‌هایی به واسطه حملات عثمانیان، میان ایران و عثمانی در گرفت و در نهایت منجر به انعقاد عهدنامه صلح در ۱۰۲۷ق. گردید. آوازه فتوحات درخشان شاه عباس در برابر عثمانی‌ها به اروپا نیز رسید (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۴: ۸۰-۷۹).

به منظور تحلیل دیپلماسی شاه عباس، گزیده‌ای از مکاتبات وی با عثمانی‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. در یکی از نامه‌های شاه عباس به سلطان احمد، وی ضمن آوردن عباراتی تحمیدیه در ستایش پروردگار و با استناد به آیاتی از قرآن^۱ نیت صلح‌خواهانه خویش را با سلطان عثمانی از همان آغاز نامه نشان می‌دهد. در ادامه، عباراتی در نعت رسول اکرم (ص) آورده، آنگاه با آوردن آیه تطهیر در سوره احزاب/ ۳۳ مبانی اعتقادی شیعه که شالوده ایدئولوژیک حاکمیت او هست را مطرح می‌سازد. و با آوردن القابی مطول به مدح سلطان عثمانی می‌پردازد و در ادامه از "تجدید قواعد مؤالفت" و برقراری اتحاد میان دو دولت سخن می‌گوید که در بخشی از آن مکاتبه چنین آمده است:

«... درود نامعدود بیرون از دائره فکر و حواس شایسته روح مطهر و مرقد منور رسول ... صلوات الله و علی آله الاطهار الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا علی‌الخصوص شهسوار میدان الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا و شهریار ایوان «انا مدینه العلم و علی بابها» امیرالمؤمنین و امام‌المتقین و وصی رسول رب‌العالمین سلام الله علیه و اولاده الطاهرین المعصومین ... لله الحمد دوحه دولتی که خواقین سلف علیهم‌الرحمه و اکرم‌التحف به ایادی عزّ و شرف در ریاض موالات از دو طرف غرس نموده بودند و به تصاریف ایام از نشو و نما افتاده به جریان زلال سلسال دوستی و وفاق و حسن صداقت و اتفاق سرسبز گشته به ازهار عهد و وفا برومند گردید و مبانی و داد و قواعد اتحاد کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء فی‌ما بین به نوعی مشید و مستحکم گشت که ان شاء الله تعالی خلل و نقصان به ارکان راسخه‌البنیان آن را نخواهد یافت. رجای واثق است که تا ابدالدهر این عهد مصون محبت مقرون که موجب آرامش عالمیان و آسایش جهانیان است بر صفحه روزگار پایدار بوده دست حوادث دوران از اذیال آن کوتاه بوده باشد که هر آینه خلود آن باعث فرح و خوشحالی کافه اهل اسلام و مخدولی ارباب شرک و ظلام است» (نویسی، ۱۳۶۶: ۹۷/۳-۹۲).

۱. در این زمینه بنگرید به: قرآن: سوره آل عمران، آیه ۱۰۳؛ سوره یونس، آیه ۱۳ و سوره انفال آیه ۱.

شاه عباس با آنکه در رابطه خود با دربار عثمانی نهایت ادب، فروتنی و احساس متابعت ابراز می‌داشت، اما تجاوز به قلمروش را بر نمی‌تافت و به گونه مؤدبانه‌ای دربار عثمانی را از اقدام به آن بر حذر می‌داشت. امیر مبارک عرب از سادات مشعشعی که بر بخش بزرگی از خوزستان حکمرانی می‌کرد، به اموال بازرگانان عثمانی که از قلمرو او عبور می‌کردند، دست‌درازی می‌کرد. آنان نیز به دربار عثمانی شکایت کردند و گروهی از سپاهیان عثمانی برای سرکوبی او روانه خوزستان شدند. شاه عباس پس از آگاهی از این امر در نامه‌ای به بزرگان عثمانی نوشت که امیر مبارک تابع و منصوب اوست و چون بین دو کشور صلح برقرار است، توقع آن بود که اگر از متابعت وی امری بر خلاف پیمان صلح روی نماید، به وی اعلام می‌داشتند تا او به تنبیه وی بپردازد. شاه عباس اظهار داشت پس از آگاهی از تجاوز امیر مبارک به اموال بازرگانان عثمانی، قورچیان را برای تأدیب او فرستاده و او را از حکومت ناحیه دزفول که علاوه بر سایر ناحیه‌ها به او واگذار کرده بود، معزول ساخت. افزون بر آن، از او خواست کلیه اموال بازرگانان عثمانی را به صاحبانشان پس دهد. اما او فرزندان خود را به دربار وی فرستاد و ارتکاب چنین عملی را تکذیب نمود. شاه از بزرگان دربار عثمانی خواست به عرض سلطان عثمانی برسانند که از اعزام سپاه به خوزستان که «مناقعی عهد و شرط طرفین است و از جانب ایشان امری که مخالف عهد و شرط بوده باشد چشم داشت نیست»، خودداری کند. او از آنان خواست بازرگانان شاکي را به دربار وی اعزام دارند تا سید مبارک هر چه از آنان ستانده باشد، به صاحبانش پس دهد. شاه عباس که محور اصلی نامه‌هایش با دربار عثمانی بر موضوع صلح و لزوم رعایت و تحکیم آن بوده است، از بزرگان دربار عثمانی خواست که آنان نیز در «استحکام و تشیید بنیان آن ساعی» باشند (پارسادوست، ۱۳۸۸: ۱۹۱/۱-۱۹۰).

دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس با اروپائیان

عمده‌ترین دلایل برقراری ارتباط شاه عباس با اروپائیان، توسعه‌طلبی امپراتوری عثمانی، خصومت دیرینه ایرانیان و عثمانیان با یکدیگر و رقابت‌های تجاری بود. شاه عباس برای برون‌رفت از اقدامات خصمانه دولت عثمانی و موانعی که آنها بر سر راه تجارت ایران ایجاد می‌کردند، اقداماتی در جهت برقراری روابط سیاسی و تجاری گسترده با دول اروپایی به عمل آورد. در راستای این سیاست، شاه عباس مسیر فروش ابریشم را به خلیج فارس و جزایر و بنادر آن منتقل کرد و با وعده سهم نمودن دول اروپایی در تجارت ابریشم ایران، گام‌های اساسی در دستیابی به اهداف خود در خلیج فارس برداشت. اعم اهداف وی در خلیج فارس معطوف به برقراری حاکمیت

سیاسی ایران در خلیج فارس، کوتاه کردن دست پرتغالی‌ها از جزایر و بنادر آن و تقویت تجاری ایران معطوف بود (هدایتی، ۱۳۹۷: ۴۸).

سبک نوشتاری نامه‌های شاه عباس با اروپائیان، با سبک مکاتبات وی با سلاطین مسلمان تفاوت‌های بارزی دارد. برای نمونه در مکاتبات شاه عباس با اروپائیان نشانی از نعت رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و به طور کلی مبانی اعتقادی شیعه یافت نمی‌شود. این نامه‌ها با آوردن القابی برای سلاطین اروپایی آغاز شده و از صفات و القاب مطمئن و مفصلی که در مکاتبه با سلاطین مسلمان به کار رفته است، استفاده نمی‌شود. از جمله در نامه شاه عباس به پادشاه هلند، وی پس از آوردن القابی در مدح پادشاه هلند، بر گشایش "ابواب الفت" و استحکام "تواتر مکاتیب مودت‌آمیز و مراسلات الفت‌آمیز" تأکید نموده است. مضمون این نامه در آزادی دادوستد و تردد بازرگانان هلندی استوار است (فلور، ۱۳۵۶: ۱۲۳-۱۲۲؛ نوایی، ۱۳۶۶: ۲۵۵/۳-۲۵۴).

در نامه شاه عباس به فیلیپ سوم نیز همین ساختار رعایت شده است و برخی مضامین مطرح در این نامه، افزون بر تسهیل مناسبات تجاری، بر تسامح شاه عباس نسبت به پادریان مسیحی دلالت دارد و در بخشی از این نامه آمده است که:

«... و پادریان عظام را معزز و معظم و مکرم گردانیدیم ... لهذا جمعی از تجار و سوداگران فرنگیه را که در مرافقت پادریان آمده بودند، در دارالسلطنه اصفهان که مقر دولت همایون است، مسکن و مأوی داده شد. مقرر نمودیم که من بعد نیز هر کس از آن طایفه اراده آمدن به این دیار داشته باشند به فراغ خاطر و جمعیت باطن و ظاهر آمده به دادوستد و خرید و فروخت مشغول بوده باشند» (نوایی، ۱۳۶۶: ۲۶۴/۳). شاه عباس به رغم اتخاذ مواضع مقتدرانه و تفوق‌آمیز و گاه آمیخته با تهدید که در دیپلماسی مکاتباتش با سلاطین مسلمان در پیش می‌گیرد، دیپلماسی مکاتبه‌ای وی با دولتمردان اروپایی مبتنی بر تسامح و مدارا است و شاهد این مدعا نامه وی به شورای ایالات هلند است که می‌نویسد:

«... و ملازمان عالی و مردم مملکت خود را مقرر دارند که بفراغ خاطر و اطمینان قلب بدینولایت آمده بهر طریق خواهند خرید و فروخت و دادوستد نمایند و بهر نوع رضا و اراده داشته باشند سلوک کنند که احدی را در قلمرو همایون قدرت بر ممانعت ایشان نخواهد بود ...» (فلور، ۱۳۵۶: ۱۲۳).

در بررسی دیپلماسی مکاتبه‌ای عباس یکم با هلندی‌ها، افزون بر نامه‌های وی، یادداشت‌ها و نقطه‌نظرات شاه بر مفاد موافقتنامه تجاری ایران و هلند نیز در خور توجه است. متن موافقتنامه

دیپلماسی مکاتبه‌ای و تأثیر آن بر مناسبات خارجی □ ۱۳

مذکور در ۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ توسط شاه عباس تصدیق و مهور شده است که در ذیل به فرازهایی از یادداشت‌های شاه عباس بر این موافقتنامه اشاره خواهد شد.

ماده سوم این موافقتنامه مربوط به معافیت کالاهای تجاری و نقدینه هلندی‌ها به هنگام صادرات و واردات است. شاه عباس در ذیل این ماده می‌نویسد:

«حتی یک دینار نباید بیشتر از رسم معمول دریافت شود و هیچکس در هیچ مقام و شرائطی مأذون به بازرسی و ضبط مال‌التجاره شما نیست» (فلور، ۱۳۵۶: ۲۳).

ماده دوازدهم این موافقتنامه مبنی بر خرید بردگان مسیحی تابع ایالات هلند است. شاه عباس در ذیل این ماده تصریح نموده که خریدن این بردگان منوط به گواهی مقامات قضائی و اثبات تابعیت هلندی آنان است.

ماده سیزدهم عهد نامه در مورد اختیارات رئیس هلندی‌ها در مصادره اموال و توقیف اتباع هلندی است که به دین اسلام بگردند. شاه عباس یکم ضمن مخالفت با این ماده ابراز می‌دارد که: «هیچکس مأذون نیست با اغوا و توسل به زور اتباع هلندی را وادار به پذیرش دین اسلام نماید و شما تنها کسانی را می‌توانید نفی بلد نمائید که بدون رضایت باطنی خود مسلمان شده باشند» (فلور، ۱۳۵۶: ۲۵).

ماده چهاردهم و پانزدهم این موافقتنامه ناظر به برخورداری هلندی‌ها از حق قضاوت کنسولی است. ماده چهاردهم در مورد ارتکاب اتباع هلندی به قتل و ماده پانزدهم در مورد برقراری رابطه اتباع هلندی با زنان ایرانی است که در هر دو مورد هلندی‌ها خواستار محاکمه مجرمان توسط مقامات هلندی شده‌اند. شاه عباس در مورد این دو ماده چنین اظهار داشته است که: «در صورت آدمکشی یا هر نوع جنایت، بشما اجازه محاکمه اتباع خودتان اعطاء میشود، بشرطیکه در محاکمه و تنبیه آنان - همانگونه که از ملت شما انتظار داریم - عدالت و انصاف مراعات گردد ... مأمورین قضائی موظفند هر هلندی را که با زنی رابطه داشته به شما تحویل دهند تا بر طبق نوع جرمی که مرتکب شده، تنبیه گردد» (فلور، ۱۳۵۶: ۲۵).

در واقع، مفاد مذکور فتح بابی برای مطالبات فزون‌طلبانه اروپائیان در زمینه اخذ حق کاپیتولاسیون را در قراردادهای ادوار بعدی فراهم ساخت. به نظر می‌رسد که برخوردهای قاطعانه شاه عباس در مخالفت با این مفاد می‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای بر عدم طرح این خواسته‌ها در قراردادهای آتی داشته باشد.

دولتمردان و سیاستگزاران عصر صفوی دلایل فراوانی برای برقراری روابط با اروپائیان داشته و بر همین اساس، رفت‌وآمدهای فراوانی میان ایران و کشورهای اروپایی برقرار بود. یکی از

کشورهای اروپایی که به منظور گسترش بازرگانی و هم‌آوایی بر ضد عثمانیان با صفویان بنیاد دوستی افکند، امپراتوری بریتانیا بود. در روزگار شاه عباس اول رشته‌های دوستی و هم‌پیمانی با انگلستان از سال ۱۰۰۷ ق. / ۱۵۹۸ م. به وسیله برادران شرلی^۱ شگل گرفت. این دو برادر (آنتونی و رابرت) برای پدید آوردن پیوند دوستی میان انگلیس و ایران و آماده کردن شاه عباس برای جنگ با عثمانی به ایران آمده بودند. دوستی عباس اول با انگلیسی‌ها بدان حد بود که در سال ۱۰۲۵ ق. / ۱۶۱۶ م. نزد ادوارد کنوک^۲ که از سوی کمپانی هند شرقی برای ایجاد یک کارخانه انگلیسی به ایران آمده بود، جیمز^۳ پادشاه انگلیس را "برادر بزرگ خود" خواند و طی سال‌های ۱۰۳۲-۱۰۳۱ ق. / ۱۶۲۲-۱۶۲۰ م. با کمک انگلیسی‌ها جزایر اشغال‌شده خلیج فارس را از چنگ پرتغال و اسپانیا در آورد. در مکاتبات و نامه‌هایی که میان عباس اول و فرمانروایان اروپا مبادله شد، تقریباً همه حاکی از آن است که دولت ایران با دولت‌های مسیحی اروپا هم‌پیمان و دوست بود و دشمن مشترک آنان عثمانی در نظر گرفته می‌شد که باید در جنگ بر ضد آن هم‌ساز و هم‌آوا شوند. انگیزه شاه عباس از جنگ با عثمانی، بازپس گرفتن استان‌های ایران بود که هنگام جنگ با عثمانی‌ها از دست رفته بود و البته وی به این خواست خویش دست یافت (حائری، ۱۳۸۰: ۱۴۳-۱۴۲).

رابرت شرلی که کارشناس برجسته‌ای در زمینه جنگ بود، در ارتش شاه عباس اول نقش فرماندهی داشت و در جنگی که بر ضد عثمانی کرد، کربلا را از چنگ عثمانیان در آورد (حائری، ۱۳۸۰: ۱۴۶). شرلی در جنگ‌های عباس یکم با عثمانی به منصب و موقعیتی مهم دست یافت و به حدی قابلیت و رشادت خود را نشان داد که ایرانی‌ها تاجی به یادگار ظفر به او دادند (آوانس، ۱۳۵۷: ۱۴۹). در اسناد مربوط به مکاتبات شاه عباس نامه‌هایی به آنتونی شرلی نگاشته شده که در ذیل به فرازهای از آن اشاره می‌شود:

«... فرمان همایون شد آنکه امارت پناه نتیجه السلاطین المسیحیه، اسوه الولاه الفرنگیه، امیرزاده اعظم آنطونیا شرلی به وفور توجهات بی‌کران شاهانه و تلافیات و اصطناعات بی‌پایان پادشاهان عز و اختصاص و شرف [یافته] بدانند که حالا چند سال شد که از خدمت اشرف به جانب فرنگستان رفته اصلاً از جانب او یک مرتبه خبری نرسیده و عریضه مبنی بر حقایق حالات آن جایی بوده باشد نفرستاده ... می‌باید که برخلاف سابق حقیقت حال خود و سلاطین عظام فرنگیه و ارادات خاطر ایشان را عرض نموده تقصیر ننماید و چنان نماید که نواب همایون ما نیز

1. Sherley

2. Edward connock

3. James

از اوضاع آن جا و قرارداد خاطر سلاطین فرنگیه واقف، به نوازشات خسروانه واثق بوده باشد»^۱
(نوابی، ۱۳۶۶: ۲۳۸/۳-۲۳۷).

در نامه دیگری که شاه عباس یکم توسط آنتونی شرلی برای پادشاه انگلستان ارسال داشته، مراتب دوستی خویش را نسبت به فرنگیان اینگونه ابراز داشته است که:

«... آنچه حضرت پادشاه عالی جاه انگلیس از احوالات این جانبی خواهند و تحقیق نمایند، چون او واقف و داناست حقیقت خاطر نشان می نماید. ازو معلوم نمایند که ما را چه مقدار محبت و دوستی با جماعت فرنگیه است و چگونه کرستانان را حرمت و عزت می‌داریم. ایشان نیز در لوازم دوستی جانبین کوشیده نوعی نمایند که همیشه در میانه آمد شد بوده باشد (نوابی، ۱۳۶۶: ۲۳۹/۳).

بررسی مندرجات این مکاتبات در قیاس با نامه‌های شاه عباس به امرای مسلمان، نشانگر کاربرد کمتر القاب و همچنین فقدان مضامین اعتقادی در اینگونه نوشته‌هاست.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس را می‌توان از دو منظر صوری (سبک نوشتاری) و درون مایه‌های محتوایی مورد تحلیل و بررسی قرار داد. این دو بُعد یعنی ویژگی‌های صوری و محتوایی در تعامل با یکدیگر در شناخت گفتمان حاکم بر سیاست خارجی آن دوره نقش به‌سزایی دارد. از نظر ساختاری و ویژگی‌های صوری، تفاوت‌های در خور توجهی میان مکاتبات شاه عباس یکم با امرای مسلمان (عثمانیان و ازبکان) و نامه‌های شاه با سلاطین و دولتمردان اروپایی دیده می‌شود؛ وجوهی از این تفاوت‌ها را می‌توان در نحوه کاربرد صفات و القاب و کمیت آنها مشاهده کرد. از مصادیق و شواهد ارائه شده در این نوشتار می‌توان دریافت که از نظر کمی القاب و صفات به کار رفته برای امرای مسلمان (عثمانیان و ازبکان) بسیار بیشتر از القابی است که برای دولتمردان اروپایی به کار رفته است، ضمن اینکه همانگونه که در متن مقاله پیش‌رو نشان داده شد، القاب به کار رفته برای پادشاهان مسلمان در پیوند با مبانی اعتقادی آنهاست. از نظر ساختاری، الگوی غالب در مکاتبات با امرای مسلمان شامل کاربرد عبارات تحمیدیه، نعت رسول اکرم (ص)، مدح ائمه اطهار (ع)، کاربرد القاب برای مخاطب (سلاطین مسلمان) و ذکر انگیزه‌ها و خواسته‌ها و اهداف نگارش نامه است. بسامد کاربرد آیات قرآنی و برخی احادیث از دیگر ویژگی‌های این مکاتبات است. در مکاتبات با سلاطین اروپایی این ساختار رعایت نشده و شاه عباس به آوردن القابی مختصر برای آن دولتمردان بسنده کرده است. از بررسی مکاتبات متبادله میان شاه عباس

^۱ ظاهراً سال نگارش نامه ۱۰۱۵ قمری است.

و خوانین ازبک می‌توان دریافت که دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس در قبال ازبکان، افزون بر مواضع اقتدارگرایانه، در مواردی مبتنی بر گفت‌وگویی مداراجویانه و زمانی نیز همراه با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک در قبال حریف، مجال بروز و ظهور پیدا کرده است. او به رغم اتخاذ مواضع مقتدرانه و تفوق‌آمیز و گاه آمیخته با تهدید که در دیپلماسی مکاتباتش با سلاطین مسلمان در پیش می‌گیرد، دیپلماسی مکاتبه‌ای وی با دولتمردان اروپایی مبتنی بر تسامح و مدارا است. از بررسی دیپلماسی مکاتبه‌ای شاه عباس می‌توان به محوریت تجارت و رقابت با عثمانیان در برقراری ارتباط با اروپایی‌ها پی برد. در این دیپلماسی مکاتبه‌ای الگوهای ویژه‌ای در مناسبات خارجی صفویان پدید آمد که برخی از این الگوها در ادوار پس از شاه عباس نیز تداوم یافت. بر پایه این الگوها تساهل و تسامح مذهبی صفویان نسبت به اروپائیان ساکن ایران برای پیشبرد اهداف سیاسی و تجاری، موازنه قدرت برای کنترل آنها و کسب منافع از رقابت‌های موجود میان دول اروپایی بود. اگر چه تساهل مذهبی عباس یکم نسبت به اروپائیان نشانگر سماحت نظر او نسبت به اقلیت‌های مذهبی و امری مثبت در عرصه سیاست داخلی و خارجی به‌شمار می‌آید. با این حال، تسری این کنش‌های مداراجویانه در انعقاد قراردادهای تجاری و سیاسی به پذیرش حقوقی نظیر حق قضاوت کنسولی برای اروپائیان منجر می‌شد که فتح بابی برای مطالبات فزون‌طلبانه اروپائیان در ادوار بعدی گردید.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: طرح نو.
- بابایی و همکاران (۱۳۹۰)، غلامان خاصه نخبگان نوحاسته دوران صفوی، ترجمه: محسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۸)، شاه عباس اول: پادشاهی با درس‌هایی که باید فرا گرفت، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ثابتیان، ذ (۱۳۴۳)، اسناد و نامه‌های تاریخی دوره صفویه، تهران: به سرمایه کتابخانه ابن سینا.
- جعفری، فاطمه (۱۳۹۶)، "بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه‌ای رجال سیاسی عهد قاجار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی، دانشگاه بیرجند، استاد راهنما: زهرا علیزاده بیرجندی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰)، نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

دیپلماسی مکاتبه‌ای و تأثیر آن بر مناسبات خارجی □ ۱۷

خالندی، انور (۱۳۹۷)، "بررسی الگوهای روابط خارجی عصر صفوی" در: مجموعه مقالات نخستین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، تهران: وزارت امور خارجه.

ستوده، منوچهر (به‌کوشش)، (۱۳۸۳)، اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، با همکاری: ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.

شرلی، آنتونی، (۱۳۵۷)، سفرنامه برداران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، جلد ۲، ترجمه: آوانس. تهران: انتشارات کتابخانه منوچهری،

علیزاده بیرجندی، زهرا و فاطمه جعفری (۱۳۹۷)، "بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه‌ای امیر کبیر، دومین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران در تهران: وزارت امور خارجه.

فلور، ویلم (۱۳۵۶)، اولین سفرای ایران و هلند شرح سفر موسی بیک سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه پان اسمیت سفیر هلند در ایران، به‌کوشش: داریوش مجلسی و حسین ابوترابی‌ان، تهران: طهوری.

فوران، جان (۱۳۸۳)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه: احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: امیرکبیر.

نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی، جلد ۱ و ۳، تهران: زرین.

----- (۱۳۷۷)، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، جلد ۱، تهران: مؤسسه نشر هما.

هدایتی، گلنار، "زمینه‌های گسترش تجارت ابریشم در خلیج فارس با تکیه بر توسعه روابط تجاری با اروپائیان در عصر شاه عباس اول"، فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس، پائیز ۱۳۹۷، س ۴، ش ۲ (پیاپی ۱۴)، صص ۳۶-۴۸.

